

چالش های فراروی نظام عدالت کیفری پیرامون مراقبت های پس از خروج

بهاره مزدهی^۱ / فاطمه الهی منش^۲

* نوع مقاله: ترویجی / تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۳/۰۵ / تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۵/۲۴

چکیده

هدف از پژوهش حاضر بررسی چالش های فراروی نظام عدالت کیفری پیرامون مراقبت های پس از خروج است. لذا با استفاده از روش کتابخانه ای و به صورت توصیفی و تحلیلی بررسی این موضوع انجام شد. پژوهش حاضر در صدد است تا با بررسی چالش های مراقبت های پس از خروج و با معرفی تجاری که در این زمینه وجود دارد، از طریق ساز و کارهایی در سطح رویکرد اصلاح مجرمین در مراقبت های پس از خروج در مقررات کیفری ایران، به ارائه الگویی مناسب برای نظارت بر مجرمین در فرآیند مراقبت های پس از خروج برآید. کار آموزشی، اشتغال، ازدواج، ادامه تحصیل، اعطای تسهیلات وام بانکی و نظایر این ها، از جمله سازوکارهایی هستند که کارآمدی آنان به عنوان یافته این پژوهش، برای اجرا در دوران اعمال حبس پیشنهاد می گردد. نظام های عدالت کیفری در دهه های اخیر برای راهبرد سیاست جنایی خود در جهت حذف و محدود کردن علل و فرصت های جرم، به اقدام های اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی، تربیتی و آموزشی نگاه ویژه ای داشته اند. در این راستا مسئله مراقبت های پس از خروج از حبس باب جدیدی است که با اهدافی از قبیل باز سازگاری و پیشگیری از تکرار جرم گشوده شده است. اقداماتی که به عنوان مراقبت های پس از خروج انجام می شود می تواند نقش بسزایی در پیشگیری از تکرار جرم داشته باشد و به کار بردن آن در ارتقای توانمندی های اجتماعی بسیار موثر می باشد. و در نهایت این که شایسته است تمامی سعی و تلاش خود را در جهت انسانی کردن هر چه بیشتر محیط و ارائه تمامی شیوه های نوین اصلاح و باز پروری زندانیان مصروف نماییم.

واژگان کلیدی: چالش های کیفری، نظام عدالت کیفری، مراقبت های پس از خروج.

^۱ دانشجوی دکتری تخصصی حقوق جزا و جرم شناسی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران شمال. (نویسنده مسئول)

bahare.mojhdehi@gmail.com

^۲ دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق خصوصی، دانشکده حقوق، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران شمال.

fatemeh.elahimanesh1401@gmail.com



مقدمه

در دهه های اخیر، با توجه به ازدیاد روز افزون جرایم و نرخ تکرار جرم در زندانیان آزاد شده، توجه بیشتری به مجازات حبس معطوف شده است. گروهی بر این باورند که با توجه به آثار زیان باری که زندان داشته، باید این مجازات را حذف یا حداقل مجازات دیگری مانند جزای نقدی، ارائه خدمات اجتماعی رایگان توسط مجرمین و امثالهم را جایگزین مجازات حبس نمود. ولی با توجه به واقعیات، گروهی دیگر بر این عقیده اند که در عصر کنونی، باید توجه بیشتری بر جنبه ی اصلاحی و تربیتی حبس مأخوذ داشت. بر اساس همین بینش است که قانون گذاران، در جهت مهار تکرار کنندگان جرایم، دامنه ی مداخلات حقوق کیفری را از صرف مجازات به اهداف پیشگیرانه و اصلاح مجرمین نزدیک ساخته اند و ایجاد امکانات و تسهیلات لازم فرهنگی و تربیتی و ارشاد زندانیان، انجام خدمات مشاوره ای و مساعدت در جهت حل مشکلات آنان از قبیل اشتغال و حرفه آموزی همه و همه را از راه های اصلاح و بازسازی مجرمین می دانند. حفظ نظم و امنیت، مبارزه با بزهکاری و پیشگیری از وقوع جرائم که در راس برنامه های اجرایی هیئت حاکمه قرار گرفته، دو امر مهم را در پی دارد:

۱- تدوین مقررات و قوانین جزایی و مجازات مجرمین.

۲- اقدام های اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی در جهت حذف و محدود کردن علل و فرصت های جرم.

در این نوشتار سعی بر این است که جهت پیشگیری از تکرار جرم و اصلاح مجرمین در قالب مراقبت های پس از خروج، راهکارهایی ارائه نموده، تا با استفاده از آن ها و ارائه ی اطلاعات علمی در مقابله با بزهکاری، تفکر و اندیشه ی تصمیم گیرندگان کشور را به بهره گیری از یافته های جرم شناسی، در تدوین سیاست جنایی، بیش از پیش معطوف نماییم.

جرم، خسارت جسمی، مالی و عاطفی متعددی بر بزه دیدگان خود وارد می کند. اگر چه مجرم باید مجازات شود اما اگر به علت وقوع جرم توجه نشود حکم صادره بلااثر خواهد بود و دقیقاً به همین دلیل، توجه به علت ارتکاب جرم بسیار حائز اهمیت است. ارتکاب جرم و بزه و بروز تخلف های متعدد در کشور کماکان رو به افزایش است. از آن جا که نگهداری یک مجرم در زندان هزینه های کلان اقتصادی برای جامعه به وجود می آورد و از دیگر روی تاثیر مخرب بر وضعیت روانی، اجتماعی، اقتصادی و خانوادگی مجرم، موجبات مشکلات جدیدی در جامعه می گردد، از جمله



طرح های مناسب و کاربردی در این خصوص، تلاش برای جلوگیری از بازگشت مجدد مجرمان به زندان است. به همین منظور باید مراکز و سازمان هایی مسئولیت اصلاح و تربیت مجرمان در زندان و پس از خروج از زندان را بر عهده بگیرند. تا با اجرای برنامه های منظم ومدون آموزشی، دینی، حرفه ای، مجرمان و مددجویان را با وضعیت های مختلف اجتماعی سازگار کرد، و از مجرمان، شهروندان ارزش گرا و تابع قانون ساخت.

از جمله راهکار هایی که می توان در این زمینه ارائه داد این است که زندانیانی که آسیب دیده اند و نیازمند حمایت های مراکز مراقبت های پس از خروج هستند، شناسایی و پس از آزادی به این مراکز معرفی شوند. برای خدمات دهی بیشتر و بهتر، برای مددجویان تحت پوشش بودجه ای لحاظ شود. خدمات آموزشی، ادامه تحصیل برای مددجویان در نظر گرفته شود. به مددجویان واجد شرایط تحت پوشش انواع خدمات تامین اجتماعی و بیمه ای چون اسکان در خانه های حمایتی برای افراد بی خانمان تعلق گیرد. و از همه مهم تر این که برای این افراد متناسب با مهارت و توانایی هایی که دارند شغل ایجاد شود. نتیجه نهایی این که مراقبت های پس از خروج در کاهش تکرار جرم مددجویان آزاد شده تاثیر بسیار زیاد دارد؛ به طوری که هر قدر میزان مراقبت های پس از خروج از مددجویان آزاد شده بیش تر باشد تکرار جرم در آن ها کمتر است. از این رو در پژوهش حاضر به دنبال پاسخگویی به این سوال هستیم که: مهمترین چالش فراروی نظام عدالت کیفری پیرامون مراقبت های پس از خروج چیست؟ و قانون گذار و عوامل اجرایی چه اقداماتی را در جهت بهبود وضعیت معیشتی زندانیان آزاد شده انجام دهند که این افراد مجدداً به ارتکاب جرم ترغیب نشده و به سمت خرده فرهنگ های مجرمانه کشیده نشوند زیرا واکنش کمانه ای جامعه و بی توجهی به وضعیت زندانیان پس از آزادی می تواند موجب تکرار جرم در این افراد و بی اثر شدن اقدامات اصلاحی و درمانی در زندانیان که یکی از اهداف مجازات حبس می باشد، شود(دارابی و گندمی، ۱۳۹۴).

۱- اهمیت اقدامات اصلاحی در پیشگیری از جرم

کجروی های اجتماعی و بزهکاری ها از پدیده های ناخوشایند حیات اجتماعی انسان هاست که همواره در همه جوامع بشری وجود داشته است. کنکاش در ویژگی های شخصیتی- رفتاری بزهکاران و قانون شکنان نشان می دهد که فرآیند رشد و تحول زندگی روانی آنان غالباً با مشکلاتی همراه بوده است؛ پریشانی های روانی، محرومیت ها و ناکامی های مکرر، خود مداری و فزون خواهی، پرخاشگری، خصومت و نفرت انباشته شده، نارسائی های تربیتی و یادگیری های نادرست،



نظام خانوادگی آشفته و کمبود محبت و در یک کلام عقده های روانی، مهم ترین عوامل گرایش مجرمین به انجام رفتارهای پرخطر، تبهکارانه و ضد اجتماعی است. (شمس، ۱۳۸۲، ۸۷).

چند سالی است که سازمان زندان ها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور، به منظور ارتقای کیفیت تربیت و اصلاح رفتار زندانیان، سالم سازی محیط زندان و ایجاد آرامش روانی برای زندانیان، برنامه مشاوره و روان درمانی را در دستور کار خود قرار داده است. در واقع اندیشه اصلاح رفتارهای فردی و اجتماعی و تقویت ویژگی های شخصیتی سالم و بهنجار در محبوسین جرایم عادی، همواره از جدی ترین دغدغه های نظام قضائی و مسئولین سازمان زندان ها بوده است. بی تردید گرایش دوباره در صد قابل توجهی از مجرمان زندانی به ارتکاب جرم و حریم شکنی هنجارهای اجتماعی پس از آزادی، بیشترین آسیب ها و ناامنی ها را بر جامعه تحمیل نموده و شخصیت فرد مجرم را مستعد کژروی ها و تبهکاری های مضاعف می نماید.

از این رو، هر اندیشه و اقدامی که بتواند با بازسازی و اصلاح اساسی شخصیت زندانیان، میزان فراوانی ارتکاب مجدد بزهکاری را به کمترین حد ممکن کاهش دهد، بسیار ارزشمند و ستودنی است. بر این اساس، مسئولین سازمان زندان ها پس از رایزنی با متخصصین و صاحب نظران، برنامه هایی نظیر ارایه خدمات مددکاری، ایجاد کلینیک مثلثی و انجام مشاوره و روان درمانی در زندانها را در دستور کار خود قرار دادند. بی تردید زندان با برنامه های معمولی نمی تواند بستری برای بازسازی شخصیت و اصلاح مؤثر اندیشه و رفتار مجرمان زندانی باشد. اما آنچه که می تواند در فضای زندان به عنوان یک اصل کلیدی و محوری مدنظر قرار گیرد، تعامل همدلانه و مبتنی بر احترام مدیران، روان شناسان و مشاوران با زندانیان است که موجب یافتن فرصتی مناسب برای ارزیابی دقیق شخصیت، سلامت روان، نظام باورها و نگرش ها و پدیدآیی رفتارهای فردی و اجتماعی و بررسی علل اصلی آسیب پذیری آنان می گردد. یافته های پژوهشی و تجارب علمی حاصل از کشورهای مختلف بیانگر این حقیقت است که به رغم مشکلات، موانع و محدودیت های موجود در این رهگذر، نتیجه برخی از رویکردها و روش های درمانی می تواند کاملاً موثر واقع گردد. بدون تردید هر رفتاری قابل تغییر است، لیکن هر روشی توسط هر شخصی و در هر شرایط ممکن است موثر واقع نگردد.

اهمیت و ضرورت این موضوع از آنجا نمایان می شود که اگر در این رویکرد اصلاح مجرمین بعد از اینکه از زندان آزاد می شوند یک رویکرد مناسب برای آنها در نظر گرفته شود به طور حتم باعث می شود که مجرمین بعد از آزاد شدن کمتر به سراغ ارتکاب مجدد جرم روند. در واقع با ایجاد



امکانات و تسهیلات لازم فرهنگی و تربیتی و ارشاد زندانیان، انجام خدمات مشاوره ای و مساعدت در جهت حل مشکلات آنان از طریق اشتغال و حرفه آموزی و اصلاح و بازسازی مجرمین باعث می شود که به سراغ ارتکاب مجدد جرم نروند.

لذا انجام تحقیقی جامع که بررسی همه جانبه موضوع مورد بحث را در بر می گیرد لازم و ضروری است تا بتوان دور از هرگونه پیش داوری در مورد زندانیان که از زندان آزاد می شوند ارزشیابی معقول در مورد رویکرد اصلاح مجرمین در مراقبت های پس از خروج از زندان برداریم.

۲- مفهوم اصطلاحی رویکرد اصلاح مجرمین

رویکرد اصلاح رفتار در زندان، اندیشه اصلاح و باز پروری، ساختار شخصیتی و رفتارهای فردی و اجتماعی مجرمان محبوس در زندان های کشور، همواره از جدی ترین دغدغه های فکری کارگزاران جامعه، بالاخص مسئولان قضایی کشور بوده است. در واقع گرایش دوباره درصد قابل توجهی از مجرمان زندانی به ارتکاب جرم و حریم شکنی هنجارهای اجتماعی پس از ترخیص از زندان، بیشترین آسیب ها و ناامنی ها را بر جامعه تحمیل نموده و شخصیت فرد مجرم را مستعد کژروی ها و مفسده های مضاعف می نماید. از این رو، هر اندیشه و رویکرد و اقدامی که بتواند با بازسازی اصلاح اساسی شخصیت زندانیان، میزان و فراوانی ارتکاب مجدد به بزهکاری و جرم را به حداقل ممکن برساند، فوق العاده ارزشمند و ستودنی است.

۳- رویکرد اصلاح مجرمان

اصلاح مجرمان از جمله رویکردها و سیاست های مهم مورد بحث جرم شناسان در طی دو قرن اخیر است. البته رونق و رواج ایده اصلاح مجرمان در قرون اخیر بیشتر مدیون مکتب تحقیقی و عمدتاً جنبش دفاع اجتماعی نوین است. سیاست جنایی سازمان ملل متحد نیز تا حد زیادی متأثر از آراء بنیانگذاران این جنبش است. امروزه گرچه به سبب اعلام شکست جرم شناسی اصلاح و درمان در کشورهایی مانند آمریکا و بخش هایی از کانادا، از فروغ فراگیر اصلاح و درمان کاسته شده است ولی همچنان اهتمام به اصلاح و درمان مجرمان از جمله شاخصه های یک سیاست جنایی انسانی به حساب می آید. بنابراین، بررسی سیاست جنایی جمهوری اسلامی از این حیث در ابعاد مختلف تقنینی، قضایی و اجرایی آن، در خور پژوهش است، به ویژه که این سیاست مبتنی بر ارزش های اسلامی انسان است. مطالعه متون اسلامی بیانگر آن است که اسلام به اصلاح مجرمان بیش از صرف بازسازی اجتماعی آنان نگریده و روش های خاص خود را برای این مهم عرضه



داشته است، گرچه از یافته ها و تجارب بشری غیر مغایر با موازین اسلامی نیز منع نمی کند (کولمن، کاونیگتن، ۱۳۷۶، ۲۸-۲۷). از ابتدای پیدایش جرم شناسی علمی، بازپروری و اصلاح بزهکاران، هدف اساسی آموزش و تحقیقات جرم شناسی محسوب می شده است. بر همین اساس، کیفرشناسان نیز برای مجازاتها، به ویژه مجازاتهای سالب آزادی، کارکرد بالینی قائل شده اند؛ یعنی اقامت زندانی در زندان، باید به بازپروری وی منجر شود. بدین ترتیب یافته های جرم شناسی کاربردی، جهت گیری حقوق کیفری و کیفر شناسی را تحت تاثیر قرار دادند. قانون گذار کیفری نیز به نوبه خود، با فردی کردن تدابیر کیفری در مرحله تعیین و اجرای کیفر به این حوزه علاقه نشان داده است. بدین سان، یافته های جرم شناسی بالینی، چه در سطح داخلی چه در سطح بین المللی، جنبه هنجاری به خود گرفت و ضابطه مند شده (نجفی، ۱۳۸۷).

قوانین داخلی و اسناد بین المللی نیز ضمن تصریح بر بازپروری، تاکید کردند که بازپروری بزهکار که به طور موقت از جامعه دور نگه داشته شده و می توان دوباره او را به جامعه بازگرداند، باید از رهگذر رعایت حقوق بنیادین وی محقق شود. بدین ترتیب، اصول و مبانی حقوق بشر که با توجه به شان و مقام انسان شکل گرفته و فلسفه وجودی آن، اعتلای منزلت این حقوق بوده است، حدود و قیودی را برای اصلاح بزهکاران تعیین می کند. بازپروری نیز با رعایت همین اصول است که جنبه عادلانه پیدا می کند. مطالعات و تحقیقات نشان می دهد که خود زندان برای بسیاری از زندانیان به دلیل تجربه های منفی که از محیط های زندان کسب می کنند، بسیار مخرب و ناامید کننده است. زیرا کافی نبودن اقدامات اصلاح و بازپروری زندانیان به معنای آن است، که آنها به هنگام ترک زندان در مقایسه با زمان ورودشان آمادگی بیشتری برای ارتکاب مجدد جرم دارند (حاتمی خواجه، ۱۳۸۶، ۹۵). جامعه بین الملل به ویژه جامعه پیشرفته به این نتیجه رسیده اند که زندان نمی تواند در کاهش جرم و بزهکاری نقش تعیین کننده ای داشته باشد. بارها اعلام شده که در عمل، زندان به مدرسه آموزش جرم تبدیل شده است (آشوری، ۱۳۸۲، ۴۵).

۳-۱- تبیین مراقبت های پس از خروج

انسان ها بواسطه بهره گیری و برقراری ارتباط با سایرین ناگزیرند رفتارهای دیگران را به عنوان یک رفتار مناسب در نظر بگیرند، از طرفی اگر این موضوع مهم و جدی تلقی نگردد، دستخوش هرج و مرج در آن جامعه می شود. زندان یک فضای بسته انسانی است که تعدادی از انسان های جامعه بنا به دلایل و شرایط حاکم بر زندگی شان و ارتکاب جرم مجبور شده اند که به شکل جمعی و گروهی تا تعیین تکلیف مشخص در آنجا به سر ببرند. جرم، خسارت جسمی، مالی و عاطفی متعددی بر



بزه‌دیدگان خود وارد می‌کند. اگرچه مجرم باید مجازات شود، اما اگر به علت وقوع جرم توجه نشود، حکم صادره بلا اثر خواهد بود و دقیقاً به همین دلایل توجه به علت ارتکاب جرم بسیار حائز اهمیت است. مشکلات زندان و زندانیان از جمله معضلاتی است که نه تنها کشورمان، ایران، بلکه اغلب کشورهای دنیا را تحت تأثیر قرار داده و هزینه‌های فراوانی را بر دوش دولتمردان این جوامع تحمیل نموده است. خروج سالانه چندین هزار زندانی از زندان‌های کشور رقم قابل توجهی است که می‌باید مورد توجه جدی قرار گیرد. از این رو نباید نظر و دیدگاه جامعه‌شناسان را در تعریف این پدیده نادیده گرفت. این افراد معتقدند در هر جامعه‌ای قوانین توسط حکومت برای شهروندان تنظیم گردیده که لزوماً باید از آنها پیروی نمایند و کسانی که این قوانین را نقض می‌کنند، ضمانت‌های اجرایی که در قانون آن کشور بیان شده، علیه این گونه افراد استفاده می‌شود. در جوامع امروزی با توجه به پیشرفت‌های گوناگونی که در حوزه‌های مختلف شاهد هستیم نباید از بروز جرائم جدید توسط مجرمین حرفه‌ای غافل شد که همین امر باعث گردیده، آمارهای تازه‌ای در ارتکاب مجدد جرم به دست آید.

۳-۲- فلسفه وجودی، جایگاه و وظایف مراکز مراقبت بعد از خروج

از آنجایی که نگهداری یک مجرم در زندان هزینه‌های کلان اقتصادی برای جامعه به وجود می‌آورد و از آنجایی که تأثیر مخرب حبس بر وضعیت روانی - اجتماعی - اقتصادی و خانوادگی مجرم، موجبات مشکلات جدیدی در جامعه می‌گردد، بنابراین وجود مراکزی جهت پیشگیری از تکرار جرم مجرمین ضرورتی انکارناپذیر است.

سیاست اصلاح و درمان مجرمان، یک رویکرد انسانی است که متأثر از یافته‌های جرم‌شناسی بالینی است و درمان مجرم، بازگشت وی به زندگی عادی و پیشگیری از ارتکاب مجدد جرم توسط وی در آینده موضوعیت دارد. این سیاست از مجرای حفظ و نگهداری مجرم در جامعه و تحت درمان قرار دادن او، سیاست طرد و حذف بزهکاران (همپتون، ۱۹۹۵، ۱۰۱) را از جامعه کنار زده و در صدد است که تبیین نماید: «بزهکار یک بیمار است و نیازمند درمان می‌باشد و راه درمان نیز الگوی کیفر مدار صرف نیست» (اسدی، ۱۹۹۳، ۳۲). با بسط این سیاست مخالفان آن که عموماً دیدگاه امنیتی به حقوق کیفری دارند، به انحاء مختلف سعی نمودند با انجام تحقیقات، ناکارآمدی سیاست اصلاح و درمان را به تصویر کشند و بر این اساس از سال ۱۹۷۴ به بعد، افرادی مانند «موریس کوسن» و «رابرت مارتینسون». ملهم از یافته‌های تحقیقات خویش، با شعار «هیچ چیز موثر نیست»، صریحاً مدعی شکست سیاست اصلاح و درمان شدند. متعاقب این اظهار نظر، به



تدریج با ورود مفهوم خطر و ریسک جرم به حوزه ی حقوق کیفری، مفسران اولیه ی آن از جمله «سیمون و فیلی» یک سیاست جنایی نوین که اصطلاحاً «کیفرشناسی نو، جرم شناسی نو و یا عدالت سنجشی و مدیریت ریسک جرم» لقب گرفت را رقم زده و خواستار کنار گذاردن برنامه های اصلاح و درمان شدند. ایشان آشکارا به رویکرد سنتی سرکوب جرم و مجازات بزهکاران در قرائنی نوین تحت عنوان «نظریه مجازات های استحقاقی» بازگشت نمودند و اظهار داشته اند که این سیاست به هیچ عنوان نتوانسته است نتایج و دستاوردهای قابل اعتنایی داشته باشد و کنار گذاشتن این سیاست را ضرورتی انکار ناپذیر معرفی نمودند (مارتینسون، ۱۹۷۴، ۶۶) به رغم وجود چنین ادعایی، به هیچ عنوان نمی توان با قاطعیت از شکست و ناکامی سیاست اصلاح و درمان صحبت به میان آورد، زیرا هنوز لوازم و مقدمات اجرایی این سیاست به طور کامل فراهم نیامده است و شاید این سیاست در برخی زمینه ها احتمالا با عدم موفقیت نسبی توأم بوده، لیکن در دیگر ابعاد، آثار مثبتی نیز داشته است. (موریس ۱۹۷۴-۲۲) در حقوق کیفری ایران و نصوص قانونی موجود می توان امارات و نشانه هایی از نفوذ و رسوخ سیاست اصلاح و درمان مجرمان را مشاهده نمود.

- براساس ماده ۴ آیین نامه اجرایی مزبور: « بازداشتگاه محل نگهداری متهمانی است که با قرار کتبی مقامهای صلاحیتدار قضایی با اتخاذ تصمیم نهایی به آنجا معرفی می شوند.» و سرانجام تبصره ماده ۷ آیین نامه اجرایی مقرر می دارد: «سازمان می تواند برنامه های حرفه آموزی، آموزش و اصلاح را در مورد متهمان نیز اجرا نماید.» بررسی موشکافانه و دقیق مواد فوق الاشعار، نتایج و ملاحظات چندی را به ذهن متبادر می سازد؛ اول اینکه، برخلاف آنچه در ماده ۲۸۱ قانون آیین دادرسی کیفری پیش بینی شده و اجرای مجازات را در هر حال با دادگاه بدوی صادر کننده حکم دانسته است، در عمل نقش دادگاه بدوی در اجرای مجازات زندان جنبه ای کاملا تشریفاتی و اداری داشته و با معرفی محکوم علیه به زندان - حسب ماده ۲۹۴ همان قانون - رسالت دادگاه صادر کننده حکم را باید اتمام یافته تلقی نمود. زیرا ماده یک آیین نامه اجرایی سازمان زندانها، این سازمان را به عنوان متولی اصلی امر زندانبانی بر شمرده است. دوم اینکه، نگرش منطقی به مفاد ماده ۳ آیین نامه اجرایی سازمان زندان ها که به تعریف زندان و اهداف منتسب به آن می پردازد، نشان می دهد که علی الظاهر سازمان زندانها در مقام متصدی اصلی امر زندانبانی، اهداف ویژه ای را شامل حرفه آموزی، بازپروری و بازسازی محکومان از اجرای مجازات زندان دنبال می نماید و اثری از اهداف تریبی، تزدیلی و اربعایی ملاحظه نمی گردد. ظاهر این است که نظام زندانبانی عزم خود را برای اصلاح و بازپروری محکومان جزم نموده است. سوم اینکه، در کنار زندان که با اهداف ویژه ای نیز تأسیس یافته است، در ماده ۴ آیین نامه اجرایی سازمان زندانها، بحث بازداشتگاه به



عنوان محل نگهداری متهمان مطرح گردیده است و جالب اینکه در تبصره ماده ۷ آیین نامه آمده است که اجرای برنامه های اصلاحی و بازپرورانه برای متهمان نیز خالی از اشکال می باشد.

از مقایسه و تصویب مفاد آیین نامه اجرایی لاحق سازمان زندانها با آیین نامه های سابق، نتایج چندی تحصیل می گردد: بی تردید نوع نگاه و نگرش خاص قانونگذار جدید به مقوله زندان و زندانی، تحت تأثیر آموزه ها و سیاست های کلان قضایی و در پرتو تدابیر و برنامه های نوین کیفر شناسانه، امری بدیع و قابل تحسین می باشد و تصور اولیه بر آنست که سیاست کیفری منعکس در آیین نامه مورد نظر، نه به عنوان یک سیاست ارعایی، کیفر محور یا سرکوبگر صرف، بلکه گاهی در راستای تعدیل مجازات زندان، حفظ حرمت و کرامت انسانی و توجه به حقوق و آزادی های فردی زندانیان محسوب می شود. (میلکی، ایوب، ۱۳۸۴، ۴۷)

با این حال، از ملاحظه مفاد آیین نامه اجرایی فوق، دغدغه ها و دل نگرانی های مشروعی نیز بر می خیزد که ذهن هر کاوشگر آگاه و بی طرفی را مشوش می سازد. پرسش اول این است که آیا سازمان زندان ها واجد ساز و کارها، منابع و امکانات لازم در جهت اصلاح و بازپروری محکومان می باشد؟ دوم اینکه، سازمان زندانها به عنوان مجری اصلی مجازات زندان، در تقابل با سیاست کیفر محور و حبس گرایانه تقنینی و سیاست دوگانه قضایی مبتنی بر تساهل یا تشدید چگونه برخورد می کند؟ سوم اینکه، اجرای برنامه های اصلاحی و تربیتی برای متهمان که در تبصره ماده ۷ آیین نامه آمده است، حامل چه پیامی است؟ آیا اصولا تدبیر و به کار گیری چنین اقداماتی برای متهمینی که بزهکاری آنها به اثبات نرسیده و خطرناک بودن آنها محرز نشده است، توجیه پذیر است؟ سازمان زندانها چه تضمینی برای اصلاح و بازپروری محکومان و جلوگیری از تکرار جرم آنان پس از آزادی از زندان قائل است؟ در پاسخ به این سوالات، آنچه بدیهی می نماید اینکه اصلاح و بازنگری در آیین نامه ها و شیوه های زندانبانی گذشته با هدف تطبیق و هماهنگ سازی با سیاست جنایی حاکم بر نظام عدالت کیفری، امری شایسته و قابل ملاحظه می باشد؛ با این حال، زمانی می توان به آینده چنین تدابیری خوشبین و امیدوار ماند، که ضمانت اجرایی و ساز و کار لازم برای تحقق اهداف و آرمان های مستتر و مضبوط در آن به روشنی و شفافیت با نظارت مستقیم ناظران امر مهیا گردد. به رغم تمامی ملاحظات فوق، در سیاست جنایی اجرای مجازات زندان، به فراخور تغییر نگرش و تحول مدیریت زندانبانی کشور و همزمان با تعمیم و توسعه آموزش کارکنان، نوعی نگاه متفاوت با سیاست کیفری در اجرای مجازات زندان به وجود آمده است. زندان که در مقررات جزایی جنبه ارعایی و سزادهی دارد، در عمل با نیت و قصد اصلاح، اعطای مرخصی، آزادی مشروط، ملاقات شرعی و اعمال شیوه های جدید زندانبانی - بویژه استفاده از نظام های نیمه آزادی و



جایگزین های اجتماعی - مواجهه می گردد و لذا خصیصه ارعابی و سزادهی خود را از دست می دهد و در تعارضی آشکار با سیاست تقنینی مبتنی بر مجازات و تنبیه قرار می گیرد (میلکی، ایوب، ۱۳۸۴، ۴۷).

صرفنظر از ایراد فوق، زندان به لحاظ مشکلات و نارسایی های متعدد اجرایی از جمله فقدان امکانات فیزیکی کافی، فقدان بودجه لازم، عدم استفاده از روش های علمی نوین و فقدان بهره مندی از تجربیات متخصصین در ابعاد فیزیکی، روان درمانی، روان پزشکی و روان کاوی، هرگز نمی تواند مدعی اصلاح و جامعه پذیری مجدد محکومان باشد و لذا بر خلاف مفاد آیین نامه اجرایی سازمان زندانها، به جای اصلاح و درمان محکومان، زندان صرفا محل نگهداری موقت است که به محض اجرا، بزهکار را با هجمه عظیمی از اثرات منفی روحی، روانی، جسمی، خانوادگی و اجتماعی رها ساخته و هیچ تضمین یا تدبیری را در جهت مراقبت بعد از خروج زندانی و نگرش حمایتی با هدف جلوگیری از تکرار جرم ارائه نمی دهد و صرفا به مثابه دانشگاه جرم آموزی عمل می نماید و از بزهکاران کم تجربه و اتفاقی، مجرمانی حرفه ای و سازمان یافته را تحویل جامعه می دهد. ناکارآمدی زندان در انجام رسالت پیشگیرانه، اصلاحی و بازپرورانه، موجبات تحریک پذیری و نظم گریزی بزهکاران مستعد و به عادت را در تقابل با محرک های مجرمانه بیرونی فراهم آورده و در نتیجه با ارتکاب جرم توسط ایشان، بار دیگر شاهد حضور آنان در زندان و تورم جمعیت کیفری خواهیم بود. بعلاوه اینکه، بخش عمده ای از سرمایه های مادی و انسانی زندان، مصروف انجام خدمات برای آن دسته از افرادی می گردد که بزهکار نبوده، بلکه به دلیل صدور قرار بازداشت موقت یا اعمال حبس بدل از جریمه نقدی و یا بواسطه ارتکاب جرایم غیر عمدی و بدهی های مالی به چنگال بی عدالتی نظام عدالت کیفری گرفتار آمده اند و مشخص نیست نظام زندانبانی چه الزامی به نگهداری و حبس چنین اشخاصی دارد؟ این چنین است که شمار چشمگیری از زندانیان، همواره تکرار کنندگان جرم اند که این امر فی نفسه عامل مهمی در ازدیاد حجم جمعیت کیفری هر کشور است (کروم ول"، ۱۳۵، ۱۹۹۹).

۴- برخی دلایل شکست برنامه های اصلاح و درمان و آسیب های ناشی از آن

یکی از اهداف مجازات ها باز پذیری مجدد اجتماعی بزهکار و اصلاح و درمان آنها می باشد. اندیشه اصلاح و درمان بزهکار و بازسازگاری مجدد وی یکی از آموزه های فکری مکتب دفاع اجتماعی جدید می باشد. برنار بولک معتقد است که اصلاح مقصر با این هدف است که او دوباره به راه خطا بازنگردد اندیشه اصلاح و درمان و باز پذیری در اسناد بین المللی منعکس شده است به عنوان مثال



می توان به قواعد حداقل لازم الرعایه راجع به طرز رفتار اصلاحی با زندانیان مصوب ۱۹۵۵ و میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی در سال ۱۹۶۶ توسط مجمع عمومی سازمان ملل متحد اشاره کرد که در سال ۱۳۵۴ به امضای دولت ایران رسیده و مجلس نیز آن را به تصویب رسانده است. مفاد همین قواعد و مقررات بود که قبل از انقلاب و بعدا توسط دولت جمهوری اسلامی ایران با تدوین آیین نامه های تحت عنوان آیین نامه اجرایی حبس در سال ۱۳۷۲ و سپس اصلاحیه آن در سال ۱۳۸۰ به مرحله اجرا در آمد.

همه این معاهدات و مقررات و طرح های بین المللی و داخلی در جهت انسانی کردن مجازات حبس و اصلاح و درمان مجرمین پیش بینی و ارائه شده بودند. اما به لحاظ مشکلات و ایراداتی که بر زندان و نحوه اجرای آن وارد می باشد جنبه های اصلاحی و بازپروری کیفر حبس دچار تردید و شکست شده است به گونه ای که زندان امروزه علی رغم تاکید بر جنبه های اصلاح و درمان و بازپروری آن، نه تنها نتوانسته در درمان و اصلاح بزهکاران موفق باشد بلکه بر نرخ تکرار جرم ارتكابی توسط زندانیان بعد از آزادی از زندان افزوده شده است. از جمله مواردی را که می توان در تائید عدم کارایی کیفر حبس در جلوگیری از ارتكاب جرم و اصلاح و درمان مجرمین بدان اشاره کرد تحقیق بعمل آمده در یکی از استانهای کشور است. در توجیه این امر به نظر می رسد که اصلاح و بازسازگاری در محیط بسته و تحت اجبار کارآیی های لازم را نداشته و زندان با هر کیفیتی باشد باز هم اثر اصلاحی آن نسبت به اصلاح و بازسازگاری در اجتماع کمتر است. قبل از اینکه به توضیح کامل عوامل شکست برنامه های اصلاح و درمان بپردازیم خاطر نشان می شود که برخی از این عوامل نظیر تراکم جمعیت زندان و کمبود فضای مناسب گویای همان جمله است که در ابتدا گفتار مورد اشاره قرار گرفت و آن اینکه این دلایل به نوعی به مشکل از نوع اول دامن می زند و کیفر حبس نتوانسته هدف خود را برآورده کند.

۴-۱- جرم زا بودن محیط زندان

مخالفان کیفر حبس معتقدند که زندان در عمل به یک محیط جرم زا و مجرم پرور تبدیل شده است دلایل زیر بیانگر جرم زا بودن محیط زندان به نظر می رسد و عبارتند از :

الف: زندان مکانی مناسب است برای آماده کردن و انتقال فنون ارتكاب بزه طی مدتی که زندانیان در یک جا با هم ارتباط دارند. بعبارت دیگر همان پدیده فرهنگ پذیری از زندان مدنظر است (گودرزی، ۱۳۸۴، ۱۱۲). با این توضیح که در وهله اول ممکن است در اثر تماس با بزهکاران حرفه ای داخل زندان به مجرم حرفه ای تبدیل شود. به همین خاطر برخی معتقدند که زندان موجب



ارتقای کیفیت جرم می شود. چرا که هر چه تراکم جرم بیشتر باشد مقدار یادگیری شگردها و حيله های بزهکاری نیز بیشتر می شود. در وهله دوم نسبت به سایر افراد جامعه زیرا زندانی، با آزاد شدن موجب انتقال فرهنگ و فنون مجرمانه به سایر افراد جامعه می شود و پدیده ای به نام فرهنگ پذیری از زندان ممکن است نسبت به عموم رخ دهد و افراد زیادی به سمت ارتکاب بزه با الگو و فرهنگ پذیری از زندانی سوق پیدا کند. در جرم شناسی معاصر نظریه ای با عنوان فرهنگ پذیری از زندان مطرح شده که گونه های فرهنگ زندان در طول اقامت در حبس بر شخصیت و رفتار زندانیان اثر می گذارد.

ب: زندان مکان مناسبی برای ارتکاب خشونت و ستیزه جویی است. خشونت و ستیزه جویی ممکن است یا در نتیجه عمل زندانیان نسبت به یکدیگر باشد یا به واسطه عمل مأمورین زندان نسبت به زندانیان باشد. همچنین خشونت ممکن است به واسطه اوضاع و احوال حاکم در زندان باشد.

۴-۲- تعارض با اصل شخصی بودن مجازات زندان و تحمیل هزینه های اقتصادی بر جامعه

یکی از اصول حاکم بر مجازات های زندان اصل شخصی بودن مجازات ها ست. بدین معنا که در مکتب اسلامی هر کس مسئول اعمال خویش است و تخلفات و تعدیات هیچ کس به پای دیگری نوشته نمی شود. حال تلاش عمده حقوقدانان نیز ارائه مجازات هایی است که ضمن برآورده ساختن اهداف اصلاحی و پیشگیری از جرم قاعده مذکور را مراعات کرده باشد. علاوه بر این زندان منجر به قطع رابطه زندانی با زندگی عادی، خانواده، کار و دوستانش می شود. انتظار کسان و بستگان مجرم و در خواست آزادی او و مراجعات مکرر جهت ملاقات زندانی و مسئولین قضایی جهت خلاصی و یا تخفیف مجازات زندانی همه و همه موجب هدر رفتن وقت و فعالیت اقتصادی آنان می شود و فشارهای اقتصادی و روانی که بر اطرافیان زندانی وارد می شود مبین این معنا است که این کیفر با اصل شخصی بودن مجازات زندان مغایرت دارد. مملو شدن زندان از زندانی موجب توسعه تاسیسات و افزایش نیرو و سایر هزینه های مربوطه می شود که تأمین آن بر عهده دولت بوده و از بودجه عمومی مملکت تأمین می شود. توضیح این که در کیفر زندان علاوه بر این که زندانی را از کار و فعالیت باز میدارد و جامعه از بازده آنان محروم می شود خزانه دولت نیز به جهت زندانی کردن افراد خلاقکار به گونه کنترل نشده هزینه سنگینی را متحمل می شود.



۴-۳- تأثیرهای روانی بر زندانی و ایجاد مشکلات اجتماعی و خانوادگی

زندانیان هویت محکوم را از بین می‌برد و به ویژه در زندان‌های بلند مدت، آن چنان اختلالی در شخصیت او به وجود می‌آورد که نتیجه‌ی آن پیروی کورکورانه و محض یا حالت تهجمی ست که به شکل شورش در زندان، درگیری با سایر زندانیان و همانند آن آشکار می‌شود. به طور کلی تا زمانی که فرد وارد زندان نشده است هم او و هم خانواده آن شخص از منزلت اجتماعی برخوردار هستند. ولی اگر شخصی حتی به عنوان متهم و نه مجرم چند روزی را در بازداشتگاه بگذراند با توجه به عرف عامه مردم و عدم فرقی قائل شدن میان مجرم و متهم، دیده می‌شود که با شخص رفتار خوبی نمی‌شود. حال تصور کنیم فرد چند ماهی یا چند سالی را در زندان می‌گذراند در این زمان می‌بینیم که هم خود شخص و هم خانواده او موقعیت خوبی را تجربه نمی‌کنند و در بسیاری از موارد دیده شده است که حتی فرزندان یا بستگان شخص مجرم هم از عنوان مجرم بودن شخص خاصی ضرر دیده‌اند که این مورد را می‌توانیم نوعی مخالفت و تعارض با اصل شخصی بودن مجازات‌ها تفسیر کنیم. زیرا در مجازات‌های سالب آزادی مثل حبس آثار زیان بار اجرای مجازات‌ها از لحاظ مسائل خانوادگی تنها مجرم را در بر نمی‌گیرد و خانواده‌هایی که نان آور آنها در زندان به سر می‌برد اگر امرار معاش آنها منحصر به کار کردن آن شخص باشد چگونه از تبعات مجازات ایمن خواهد بود؟

با توجه به مشکلات مجازات حبس و آثار مخرب آن بر مجرم و خانواده وی و تأثیر پذیری نظام تقنینی از سیاست اصلاح و درمان در قانون مجازات سال ۹۲ قانونگذار برای اولین بار مجازات‌های جایگزین حبس را در قانون پیش بینی کرد. هرچند که ایراداتی بر این شیوه قانون نویسی وارد می‌باشد اما این بخش از قوانین گام بزرگی در جهت اصلاح مجرمین و دور کردن مجرمین اتفاقی از محیط جرم زای زندان می‌باشد.

۴-۴- بیکاری و طرد اجتماعی و عدم طبقه بندی در زندان

الف) نبود برنامه‌های تفریحی و سرگرم کننده برای زندانیان

ب) بیکاری و طرد اجتماعی

از دیگر آثار زیان بار زندان محبوس شدن افراد فعال جامعه است. مجازات حبس ضمن آن که در حین اجرا باعث بیکار شدن یک عضو فعال جامعه می‌گردد پس از اجرا نیز باعث می‌شود که فرد



موقعیت شغلی خود را از دست بدهد و عضوی که در گذشته عضو کاری جامعه بود اکنون بسان عضو بیکار سربار جامعه شود.

از سوئی زندان موجب طرد اجتماعی زندان می شود و درصد قابل توجهی از خانواده ها، اقوام، دوستان نسبت به مجرم آزاد شده بی اعتنا شده و هیچ تمایلی به معاشرت با وی از خود نشان نمی دهند. این امر سبب می شود که حس انتقام و کینه به جای عبرت و عاطفه در دل زندانی آزاد شده به وجود آید و هر چه بیشتر از جامعه و اطرافیان فاصله گیرد. فرد به دور از نظارت و کنترل اجتماعی باز به ارتکاب اعمال مجرمانه مبادرت می ورزد.

از دیگر تاثیرات زندان در فرد زندانی طرد اجتماعی است .

به این صورت نحوه برخورد دوستان؛ افراد فامیل و همسایگان با فرد آزاد شده از زندان در نگرش متقابل وی به دیگران تاثیر مهمی دارد. در مجموع اگر این برخورد قهر آمیز و به صورت طرد فرد از محیط باشد جدایی وی از جامعه سرعت بیشتری می یابد این نحوه برخورد همواره به عنوان هزینه ارتکاب هر جرمی مدنظر است.

عامل که در تعیین طرد اجتماعی تاثیر بیشتری را داراست با افزایش سن فرد بر شدت طرد افزوده میشود این امر نیز ناشی از آن است که افراد با سنین بالاتر عمدتاً معاشر هم سن و سالهای خود هستند. و این افراد نسبت به انحرافات اجتماعی حساسیت بیشتری دارند در مقابل جوانان به این مساله اهمیت کمتری میدهند .

عامل بعد نوع جرم است طرد اجتماعی برای جرائم خشونت آمیز بیشتر از سایر جرایم می باشد مانند ضرب و جرح وقتل.

یکی از راه های جلوگیری از آسیب های زندان طبقه بندی زندانیان است که باید آنها را بر حسب جنسیت، سابقه، سن، نوع جرم تابعیت، میزان محکومیت به حبس؛ وضع جسمانی و... زندانی کرد. طبقه بندی زندانیان در زندان های کشور ما بر ملاک سن و جنس قرار می گیرد هر چند برخی مواقع ملاک سن در نظر گرفته نمی شود. پس همه زندانیان صرف نظر از این ملاک با انواع جرایم اعم از سنگین و سبک آشنا و همچنین بدون توجه به دفعات محکومیت و نیز بدون عنایت به کیفیت و چگونگی ارتکاب جرایمشان در کنار یکدیگر قرار میگیرند. یعنی در واقع خواسته و ناخواسته زمینه را جهت آموزش های تبهکارانه و تبادل اطلاعات بزهکارانه فراهم می کند، بنابراین باید شیوه طبقه بندی زندانیان اصلاح شود. (عباس زاده، ۱۳۸۷)



نتیجه گیری

اصلاح و درمان بزهکاران، نیازمند تدوین قانون جامعی است که در آن، بازپروری، نهاد های متولی اصلاح، شرایط کنش گران اصلاح مجرمان مانند مددکاران اجتماعی، مدت اصلاح برحسب نوع جرم و مجازات و نیز شخصیت مجرم، به طور دقیق تبیین شود و بازپروری به عنوان حقی برای محکوم از یک سو و به عنوان تکلیف دولت و وظیفه نظام عدالت کیفری از سوی دیگر تعیین و ضابطه مند شود. حقی که مجرم در حال تحمل مجازات بتواند آن را در صورت نقض از دادگاه مطالبه و اداره زندان و سایر مقامات مربوطه را در مرجع صالح به محاکمه بکشاند. تهیه و تصویب این قانون موجب می شود تا ضابطان، قضات و مدیران زندان به نام اصلاح، هر رفتاری را انجام ندهند و تنها در یک چارچوب اصلاحی، آموزشی و فرهنگی ضابطه مند عادلانه عمل نمایند. در این چارچوب است که می توان پیشنهاد کرد قانون گذار ایران همانند قانون گذار فرانسه مرحله ی اجرای محکومیت های کیفری را نیز قضایی نماید تا قاضی اجرای احکام بتواند بر حسب چگونگی رفتار و تحول شخصیت محکومان، به مجازات صادر شده در جریان اجرا جهت دهد.

علی هذا، ضرورت دارد تا اولاً: با اتخاذ تدابیر و سیاست های جرم زدایی، کیفر زدایی و اعمال و بکارگیری سیاستهای کیفری و جایگزین های مجازات حبس، از روانه کردن مجرمین که نیازی به برنامه های اصلاحی ندارند به زندان ها بکاهیم. ثانیاً، با صرف هزینه های اختصاص یافته برای زندان ها و بکارگیری نیروهای متخصص و دلسوز و برنامه ریزی های دقیق، منطبق با علم زندانبانی، تمام تلاش را در جهت اصلاح باقیمانده زندانبانی که واقعا باید در زندان باشند، معطوف نماییم. و همچنین مجرمین که قبل از انقضای مدت مقرر در حکم کیفری، تحت تاثیر برنامه های اصلاحی قرار گرفته اند، با اتخاذ تدابیری چون، آزادی مشروط، عفو و ... از زندان آزاد کرده و به آغوش خانواده و اجتماع باز گردانیم.

خلاصه اینکه زندان ها اشرار، مخلین نظم و امنیت عمومی و مجرمین خطرناک را با فراهم شدن شرایط اصلاحی و تربیتی پذیرا هستند، اما در مورد مجرمین اتفاقی و بزه کاران نوجوان و جرایم کم اهمیت و مجازات های حبس کوتاه مدت، به دلیل اینکه معایب آن به مراتب بیشتر از مزایای آن است مجازات حبس را پیشنهاد نمی کنیم، چون در این قبیل حبس ها، امکان اقدامات اصلاحی و تربیتی به ویژه در زمینه های حرفه آموزی، روان شناختی و درمانی وجود ندارد. به امید آن که با اتخاذ راه کارهای صحیح، علمی و منطقی، بتوانیم سیاست اصولی و مؤثری را در زمینه ی مبارزه با جرایم و ناهنجاری های اجتماعی پایه گذاری کنیم تا در پرتو این تدابیر، ضمن کاستن از جمعیت



کیفری زندانها، اهداف اصلاحی و تربیتی مجازات ها را تأمین نموده و آینده ای روشن و افقی امیدوار کننده فراوری نسل آینده ترسیم نماییم.



منابع

- ۱- اردبیلی، محمد علی، (۱۳۸۰)، حقوق جزای عمومی، تهران، میزان.
- ۲- ایزدی، عبدالله، (۱۳۹۰)، مطالعه تطبیقی راهبردهای اصلاح و درمان ایران و کانادا، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شیراز.
- ۳- بولک، برنارد، (۱۳۷۰)، کیفر شناسی، ترجمه دکتر علی حسین نجفی ابرند آبادی، چاپ اول، نشر مجد.
- ۴- پیکا، ژرژ، (۱۳۷۰)، جرم شناسی، ترجمه علی حسین نجفی ابرند آبادی، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی.
- ۵- حاتمی خواجه، ن، (۱۳۸۶)، جامعه پذیری زندانیان، مجموعه مقالات اولین همایش بین المللی کاهش استفاده از مجازات زندان، تهران، انتشارات راه تربیت.
- ۶- رجبی، امین، (۱۳۸۲)، شرح آیین نامه اجرایی زندان ها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور، چاپ اول، تهران، انتشارات دانشور شریعت.
- ۷- رویه عملی در زندان، (۱۳۸۱)، کاربرد مقررات بین المللی در امور زندانها، تهران، راه تربیت.
- ۸- رهامی، محسن، (۱۳۸۱)، اقدامات تأمینی و تربیتی، نشر میزان.
- ۹- شمس، علی، (۱۳۸۲)، بازگشت سعادت‌مندان، چاپ اول، تهران، انتشارات راه تربیت.
- ۱۰- شمس، علی، (۱۳۸۲)، حقوق زندانیان، برداشتی از منابع اسلامی، مقررات داخلی و بین المللی، ویراست دوم، تهران، انتشارات راه تربیت.
- ۱۱- صفاری، علی، (۱۳۸۶)، کیفرشناسی، تهران، انتشارات جنگل.
- ۱۲- کوسن، موريس، (۱۳۸۲)، تحول زندان در ایالات متحده آمریکا، ترجمه قاسمی، مجله حقوقی دادگستری، شماره ۴۵.
- ۱۳- نجفی ابرند آبادی، علی حسین، هاشم بیگی، حمید، (۱۳۷۷) دانشنامه جرم شناسی، تهران، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی.



- ۱۴- نجفی ابرند آبادی، علی حسین، (۱۳۷۸)، تقریرات علوم جنایی، جلد اول، بی جا.
- ۱۵- نجفی ابرند آبادی، (۱۳۸۷)، علی حسین، تقریرات درس باز پرووری بزهکاران، تهران، دانشگاه تربیت مدرس.
- ۱۶- نیازپور، امیر حسین، (۱۳۸۶)، بازپرووری بزهکاران در مقررات ایران، مجله فقه و حقوق قم، شماره ۱۱.
- ۱۷- واقفی، مریم، (۱۳۹۰)، مطالعه حقوقی - جرم شناختی مرحله پسا کیفری، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه مفید قم.
- ۱۸- آشوری، محمد، (۱۳۸۲)، جایگزین های زندان و مجازات های بینابین، بی جا.
- ۱۹- حاجی ده آبادی، محمد علی، (۱۳۸۸)، اصلاح مجرمان در سیاست جنایی تقنینی ایران، فصلنامه حقوق، شماره ۳.
- ۲۰- صفاری، علی، (۱۳۸۱)، کیفر شناسی و توجیه کیفری مقالات علوم جنایی، مجله تحقیقات حقوقی، شماره ۲۱.
- ۲۱- عباس زاده، مجتبی، (۱۳۸۷)، مقایسه ویژگی های جمعیت شناختی و شخصیتی زندانیان مرد جرایم عمد و غیر عمد زندان مرکزی اصفهان، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد خوراسگان.
- ۲۲- کولمن، جیمز کاوینگتن، (۱۳۷۶)، روانشناسی نابهنجار و زندگی نون، ترجمه کیانوش هاشمیان، تهران، انتشار دانشگاه الزهرا (س).
- ۲۳- کی نیا، مهدی، (۱۳۸۶)، مبانی جرم شناسی، جلد اول و دوم، چاپ نهم، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
- ۲۴- گودرزی، محمدرضا، (۱۳۸۴)، تاریخچه زندان، تهران، نشر میزان.
- ۲۵- میلکی، ایوب، (۱۳۸۴)، آیین نامه اجرایی سازمان زندان ها، اصلاح و تربیت سال ۴، شماره ۴۷.



26- BenilloucheZ,Mikael,a propos des lois du 12 december 2005 relative au traitemnt de la recidive des infraction penal et 26 janvier 2006 relative a lute contre le terrorisme, « surveilleret punir...30 ans après» in a. p. c. no. 28, 2006.

27- Duff. R. a. and david garland (ed): jhtroduction: tinkning a bout punishment , in: r.a. duff and david garland , areader on punish ment, oxford university press, new york, 2007.

28- Fogel. D. we are the living poff: the justice model for correction, cinicinatiw. H. Anderson Hollin, c. r:treatment proyrams for off enders meta analy _ sis, what works, and beyond, international jourh al of psy chiatry and law, 1999.



Challenges facing the criminal justice system around post-discharge care

Bahareh Mojhdehi¹ / Fatemeh Elahimanesh²

Abstract

The purpose of this research is to examine the challenges facing the criminal justice system regarding post-exit care. Therefore, this issue was investigated using the library method and in a descriptive and analytical way. The current research aims to provide a model by examining the challenges of post-exit care and by introducing the experiences in this field, through mechanisms at the level of the approach of reforming criminals in post-exit care in Iran's penal regulations. Suitable for monitoring offenders in the post-release care process. Apprenticeship, employment, marriage, continuing education, granting bank loan facilities, etc., are among the mechanisms whose effectiveness, as a result of this research, is suggested for implementation during imprisonment. In recent decades, criminal justice systems have taken a special look at social, economic, cultural, educational and educational measures for their criminal policy strategy in order to eliminate and limit the causes and opportunities of crime. In this regard, the issue of post-release care is a new chapter that has been opened with goals such as re-adjustment and prevention of recidivism. Actions that are performed as after-exit care can play a significant role in preventing the recurrence of crime and its use is very effective in promoting social capabilities. And finally, it is appropriate to put all our efforts into humanizing the environment as much as possible and providing all the new ways of reforming and rehabilitating prisoners

keywords: Challenges criminal justice system post-exit care.

¹ PhD student in criminal law and criminology, Faculty of Humanities, Islamic Azad University, Tehran North Branch. (Corresponding Author)

bahare.mojhdehi@gmail.com

² Master's student in Private Law, Faculty of Law, Islamic Azad University, North Tehran Branch.

fatemeh.elahimanesh1401@gmail.com

